

باسمه تعالی

ضرورت تعریف علم اصول Error! Bookmark not defined.

ضابطه علم اصول در دیدگاه مرحوم آخوند Error! Bookmark not defined.

موضوع: کلام مرحوم آخوند/تعریف علم اصول /مقدمه علم اصول

خلاصه مباحث گذشته:

ضرورت تعریف علم اصول

تعریف علم اصول و بیان ضابطه آن در حدی که ضابط برای تعرض به مسائل آن باشد، ضروری است؛ زیرا در غیر این صورت حرج و مرج و بی انضباطی در مباحث اصول به وجود می آید و در ورود به هر بحثی لازم است دانسته شود معیار در طرح مباحث آن علم چیست تا سردرگمی در مباحث پیش نیاید.

بله شناخت فی الجمله تعریف و معیار علم، برای این غرض کافی است. انضباط فی الجمله به حسب ذوق سلیم و به صورت ارتکازی غالباً روشن است و لذا تمایز علم طب و ریاضی و... روشن و بدیهی است و لذا گاهی تعریف و تعرض به معیار علم ضروری نخواهد بود هر چند که اصل وجود معیار و تعریف بدیهی و قطعی است.

به همین جهت بسیاری از بزرگان وارد تعریف علم اصول شده اند تا اینکه مباحث خارج از علم اصول وارد بحث اصولی نشود و مرز اباحت اصولی با مباحث مشابهی همانند قواعد فقهی که همانند مباحث اصولی دخیل در استنباط حکم شرعی هستند، مشخص شود.

ضابطه علم اصول در دیدگاه مرحوم آخوند

مرحوم صاحب کفایه در ابتدا معیار و ضابطه وحدت هر علمی را بیان نموده و پس از آن حقیقت علم اصول را بیان نموده اند. در بحث اول ایشان فرموده اند: مسائل هر علم بحث از عوارض ذاتی موضوع آن علم است. به عنوان مثال علم نحو بحث از فاعل و مرفوعیت آن و مفعول و منصوبیت آن و... می کند. این مسائل، عوارض ذاتی موضوع علم نحو «کلمه» می باشند؛ زیرا هر چند که در علم نحو بحث از مسائل مختلف مثل احوال فاعل و مفعول و اعرابات آن می شود اما همه ی مسائل مختلف بحث از کلمه است و فاعل را به عنوان کلمه ای از کلمات در علم نحو مطرح می کنند و بحث مستقلی به فاعل اختصاص نداده

اند تا علم مستقلی بشود و لذا بحث از فاعل و مفعول در عین تغایر با یکدیگر، در دو علم قرار نگرفته بلکه صرفاً دو مساله یک علم هستند و به همین جهت بوده که موضوع علم نحو را جامع تمامی موضوعات مسائل یعنی «کلمه» قرار داده اند. بنابر این هر علمی بحث از عوارض ذاتی جامع موضوعات مسائل آن علم است. هر چند که در هر مساله ای بحث از موضوع متفاوتی است اما تمامی موضوعات مسائل، در ضمن جامعی که موضوع علم است، قرار می گیرد.

بنابر این اگر موضوعات متفاوت به ملاک جامع واحدی بررسی شود، بحث از این موضوعات متعدد، در ضمن علم واحدی خواهد بود و لذا تعدد و وحدت علوم به ملاک وحدت و تعدد موضوع خواهد بود.

بله مرحوم آخوند تمایز علوم را به ملاک تمایز اغراض می دانند نه به تمایز موضوعات اما مرادشان از عدم تاثیر تمایز موضوعات در تعدد علم، موضوعات مسائل است و الا مرحوم آخوند وحدت و تعدد موضوع ذاتی را دخیل در وحدت و تعدد علم می دانند هر چند که این موضوع واحد، قابل بیان نباشند اما قابل اشاره هستند و لذا تفاوتی بین نظر مرحوم آخوند و افرادی که ملاک وحدت علوم را وحدت موضوع می دانند نخواهد بود و به همین جهت در بیان موضوع علم اصول نیازی به تبیین کامل نیست.

به عبارت دیگر موضوعات متشکلت نیز جامع واحدی دارند هر چند که این جامع واحد، اعتباری و به لحاظ غرض واحد باشد، پس می توان وحدت هر علم را منوط به وحدت موضوع نمود هر چند که این وحدت به اعتبار غرض واحدی که در تمامی موضوعات مسائل وجود داشته، شکل گرفته باشد و لذا تعیین موضوع علم اهمیت ندارد؛ زیرا با وحدت غرض، اشاره به موضوع ممکن خواهد بود.

@

نکته: از آنجا که اغراض، قریب و بعید است و بین مسائل علوم نیز اغراض متفاوتی فرض می شود، تمایز بین علوم به اعتبار است و لذا علمی در حدوث محدود بوده و در ادامه مسائل آن علم، به علوم متعددی تبدیل می شود مثلاً علم پزشکی در ابتدا واحد بوده و سپس به علوم متعددی مانند مغز، چشم و... منشعب شده است و تمامی اینها به اغراض متعددی بوده که در ابتدا جامع آنها لحاظ شده بود سپس به لحاظ غرضی که در یک فرد وجود داشته، علم جدیدی ابداع شده است.

مرحوم آخوند در ادامه اشکالی مطرح می کنند که اگر ملاک در تعدد و وحدت علم، وحدت و تعدد غرض است، پس ممکن است علوم متعددی به تعدد اغراض فرض شود با وجود اینکه مسائل واحدی شکل دهنده آن باشد و لذا ممکن خواهد بود مسائل واحدی در دو علم بحث شود در حالیکه چنین کاری صحیح نیست پس نباید ضابطه تمایز علوم را به تعدد اغراض دانست.

مرحوم آخوند در پاسخ می فرمایند:

اولا این شبهه صرفا فرضی بعید است مثل اینکه فرض شود مسائل واحدی هم در علم نحو و هم در علم پزشکی باشد و دو غرض تصحیح کلام و صحت بدن مسائل واحدی داشته باشند و تا امروز چنین فرض محقق نشده است و اینکه پس از این اتفاق بیفتد بعید است اما محال نیست.

ثانیا اگر چنین فرضی محقق شد، لازم نیست دو علم تدوین شود بلکه مجموع مسائل جمع می شوند و یک علم محقق دو غرض است. بلکه هر چند دو علم است اما در یک تدوین از آن بحث می شود و نیازی به تدوین متعدد نیست پس استیحاش تدوین دو علم با مسائل واحد، مندفع میشود.